

روزمرگی‌های یک محیط‌بان

آینده روشن محیط زیست دردستان محیط‌بانان

احمد بحری ـ محیط‌بان

● هفته گذشته برای بازدید از مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش به اسان یزد سفر کرده بودم. برای اولین‌بار بود که به یزد سفر می‌کردم و تصورم از محیط زیست آنجا چیز دیگری بود. فکر می‌کردم با زیستگاه‌هایی تخریب‌شده در اثر توسعه انسانی و طبیعی مواجه خواهم شد که باعث شده حیات وحش آن استان نیز به دلیل تأثیرپذیری شدید از آن ناپود شود.

سفر انجام دادم تا با پیش‌زمینه ذهنی وارد مناطق شوم، در بدو ورود با محیط‌بانانی که در پاسکگاه‌های محیط‌بانی دورافتاده‌ای که از کمترین امکاناتی برخوردار بود، خدمت می‌کردند هم‌صحبت شدم و از حقوق و مزایای آنها جویا شدم؛ باخیر شدم محیط‌بانان قراردادی آنجا با ۱۷ سال سابقه، کمتر از ۹۰۰ هزارتومان دریافتی دارند و این حقوق ناچیز سبب نشده بود از کار و خدمت صادقه‌شان چیزی کم شود.

در این سفر سه‌روزه، محیط‌بانان کم‌توقع و پرتلاش یزد را دیدم که چگونه توانسته بودند با قدرت عشق از حیات‌وحش مناطقشان به بهترین نحو محافظت کنند.

در این میان یکی از محیط‌بانان قدیمی که حالا به درجات بالاتری نیز راه یافته بود بیش از همه خودنمایی می‌کرد.

محیط‌بان سیدجلال موسوی که در وصفش می‌شود این‌گونه نوشت: صخره‌ها، تاغ‌ها، بیراهه‌ها و دره‌های یزد او را به خوبی می‌شناسند. کمتر آبراهه‌ای است که رد قدم‌های او را در خود نداشته باشد.

پلنگ‌ها و یوزپلنگ‌های بافق و اردکان و دره انجیر-بوی او را حس می‌کنند و برای گرفتن عکس یادگاری جلوی دوربینش می‌ایستند. جلال، محیط‌بان پرکاری که سال‌هاست رد آفتاب سوزان یزد روی گونه‌هایش جا خوش کرده، حالا هم که چهار سال از ریاستش بر اداره محیط زیست شهرستان بافق می‌گذرد، خودش را همچنان محیط‌بان می‌داند و میز و صندلی ریاستش را رها می‌کند و به کوه و دشت می‌رود. وقتی منطقه را تحویل گرفت، آمار حیات وحش به زور به صد رأس می‌رسید، ولی حالا به گواهی چشمان هر بیننده‌ای، پا به هر دره‌ای که می‌گذاری بزهای کوهی باامنیت تمام جلویت دلربایی می‌کنند.

لباس رنگ‌پریده و صورت آفتاب‌سوخته جلال گواهی می‌دهد که عشق به حیات وحش در رگ‌هایش جاری‌ست و خود را به هر دری می‌زند تا نجات‌بخش باشد. او یک پرنده‌شناس خوب، جانورشناس ماهر و یک عکاس حیات وحش موفق هم هست.

اعتماد مدیران به جلال باعث شده با دست خالی از محلی‌ها کمک بگیرد و فقط با دو محیط‌بان رسمی بیش از ۲۰۰ هزار هکتار از مناطق شهرستان بافق را به پناهگاه حیات‌وحش تبدیل کند. از این دست انسان‌ها در محیط زیست کم داریم و اعتماد به این افراد معجزه می‌کند. تنها راه نجات محیط‌زیست‌مان سپردن امور به محیط‌بانانی است که با علم و عمل در سخت‌ترین شرایط خود را ثابت کرده‌اند.

مهدی فصیحی هرندی؛ در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۷ هیات

وزیران اساسنامه شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران را تصویب کرد. هدف از تشکیل این شرکت، ساماندهی فعالیت‌های وزارت نیرو در امور آب از جمله ساماندهی و راهبری حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع آب است. در فصل دوم این اساسنامه اولین موضوع فعالیت این شرکت به این نحو تبیین شده است: «کارگزار وزارت نیرو در اجرای قانون توزیع عادلانه آب و سایر قوانین و مقررات مربوط به آب از جمله مدیریت و کنترل بهره‌برداری از منابع آب...». بنابراین این کارگزار و بالطبع کارفرمای آن، وزارت کریمه نیرو، نماد حکمرانی دولتی آب ایران شناخته شده است که در راستای وظایف تعریف‌شده باید راهبری حفاظت از منابع آب را انجام دهد. بیماری مزمن برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی کشور آن‌قدر حاد شده است که بحث درباره آن دیگر محدود به دولت، وزارت نیرویا کارگزار آن نیست و لایه‌های دیگر حکمرانی نیز به آن ورود کرده‌اند. اکنون دشت‌های کشور جمعا با یک‌صدو ۱۰ میلیارد متر مکعب کسری موازنه برداشت روبه‌رو هستند. اجازه دهید این را به زبان هیدروکرات‌هایی که متر و معیارشان در توسعه با سدسازی تعریف می‌شود ترجمه کنم: یعنی ۴۲۰ برابر حجم آب که در پشت سد کرج (امیرکبیر) قابل ذخیره است. دیگر بیهوده است که به دنبال مقصر این فاجعه باشیم چراکه فعلا کار از بحران گذشته است و هیچ فرصتی برای آزمون و خطا نیست. اکوسیستم‌ها و سیستم‌های اجتماعی مرتبط با آب در مناطق خشک کشور از هم گسسته است و سیستم حکمرانی آب در ایران با اتخاذ الگوهای مختلف اکنون به دنبال بردن‌ای است که به‌وسیله آن از بالای درخت شاخه‌شاخه شده توسعه، به پایین بیاید. به‌طور طبیعی دولت سال‌هاست به دنبال راه‌حلی برای کاهش این کسری موازنه در ذخایر آب زیرزمینی بوده است. که البته در عمل، بخش عمده این راه حل به روش‌های مقابله و برخورد متمرکز شده است.

مسئول‌الممنفعه‌کردن چاه‌های غیرمجاز اصطلاحی است که در اخبار مربوط به امور حفاظت از آب‌ها بسیار شنیده می‌شود. اگر با ادبیات این روزها صحبت کنیم،

می‌شود مقابله با «منابع آب‌خواری» تا به‌وسیله آن انتفاع از کسی یا کسانی سلب شود که برای خود حق غیرقانونی ایجاد کرده‌اند. این اعمال سلبی با اخطار و اخذ دستور قضایی شروع و به جمع آوری منصوبات، تجهیزات و ادوات برداشت آب (بعضا با مشارکت قانونی نیروی انتظامی) ختم می‌شود. این طرح بخشی از برنامه احیا و تعادل‌بخشی منابع آب زیرزمینی است که نزدیک به ۱۰ سال است تحت پروژه‌های مختلفی تعریف و ادامه پیدا کرده است. ساماندهی شرکت‌های حفاری چاه و ایجاد گروه‌های گشت و بازرسی منابع آب از بخش‌های آغازین این طرح بوده؛ گروه‌هایی که براساس اطلاعات ارائه‌شده سازمان‌های آب منطقه‌ای، اکنون تعداد آنها به بیش از ۵۰۰ گروه گشت و بازرسی رسیده است. با اجرای این طرح در کل کشور طی ۱۰ سال گذشته حدود ۳۲ هزار چاه مسدود یا از اضافه برداشت آنها جلوگیری شده است.

البته اخبار و آمار برداشت‌های غیرمجاز از آب سطحی و زیرزمینی نشان می‌دهد که:

- هنوز بیش از ۴۰ درصد چاه‌های حفاره‌شده کشور همچنان در فهرست «غیرمجاز» دسته‌بندی می‌شوند -تجارت پرسود حفارهای غیرمجاز ادامه دارد - و سالانه بر هزینه‌های این طرح به صورت تصاعدی

جامعه

نقدی بر حکمرانی دستوری-کنترلی بر منابع آب

وظیفه جامعه مدنی درمدیریت آب



افزوده می‌شود. این طرح و پروژه‌های تحت آن چه در زمان شکل‌گیری (که به سادگی از سوالات و موانع منتقدان و مخالفان عبور کردند) و چه درحال‌حاضر با سؤالاتی اساسی روبه‌رو شده‌اند. یک دسته سؤالات منتقدانی است که به آب به عنوان یک کالا و ابزار توسعه صنعتی نگاه می‌کنند؛ آیا ارزش آب برگشت‌شده با این هزینه کرد همخوان بوده یا خواهد بود؟ چرا بعد از گذشت نزدیک به ۱۰سال از شروع این طرح وضعیت منابع آب بهبود نیافته است و چاه‌ها همچنان عمیق‌تر و رودهای دائمی کمیاب‌تر می‌شوند؟! دسته دوم سؤالات کسانی است که به آب به عنوان یک حق عمومی نگاه می‌کنند؛ اصولا این تقابل به نفع کیست؟ سلب انتفاع از کدام ذی‌نفع به نفع کدام ذی‌مدخل انجام می‌گیرد؛ آیا این به نفع توسعه‌آفرین‌شهرها یا صنایعی نیست که حاضرند برای آب چندین برابر کشاورزی پول پرداخت کنند؟ آیا نفع محیط‌زیست و حقابه‌های مغفول‌مانده در این طرح دیده شده است؟ هرچند خشک‌سالی جواب بخش کوچکی از این سؤالات بزرگ است، همه آن نیست. واقعیت پیش رو وجود تعداد بی‌شماری عوامل تنش‌زا و تأثیرگذار محلی است که روی هم انباشته شده و به بحران برداشت‌های غیرمجاز منتهی شده است. لذا در صورت چشم‌پوشی

تهران‌گردی با چاشنی پژوهش

برگزار می‌شد. در این حوزه بخش دین هم بود که بعدها مستقل شد و به حوزه پژوهش‌های فرهنگی با رویکرد دینی و در کنار آن کنگره دین‌پژوهان شکل گرفت و به همین روال، شاخه‌های بیشتری به آن افزوده شد. او در ادامه تصریح کرد: همچنین نخستین طرح‌های ملی نیز در این پژوهشگاه شکل گرفت که تحت عنوان گرایش‌ها و باورهای ایرانیان بود و به مصرف کالاهای فرهنگی و آمارگیری اماکن فرهنگی می‌پرداخت و برای نخستین‌بار، وارد برنامه سوم و چهارم توسعه شدند و دولت مکلف به حمایت از این طرح‌ها شد که هر دو سال یک بار برگزار شود. به این صورت پژوهش‌های فرهنگی، ساختار و قوامی پیدا کرد که روز پژوهش هم به هفته پژوهش تبدیل شد. مسجدجامعی با اشاره به اینکه یکی دیگر از کارهایی که در این مکان انجام می‌شد، برنامه‌نویسی و تدوین کتاب‌های درسی رشته مدیریت فرهنگی بود که چند دوره را جهاد دانشگاهی انجام داد و امروز به صورت یک رشته مستقل، جا افتاده است، خاطرنشان کرد: این پژوهشگاه مدتی تعطیل شد و در دوره جدید، کار خود

از این عوامل، امور حفاظت از منابع آب وزارت نیرو برای مدتی نامحدود همچنان به این مسلوب‌المنفعه‌کردن اشتغال خواهد داشت. امیدوارم متهم به سطحی‌نگری نشوم ولی اجازه دهید بدون بهره‌گیری از مدل‌های پیچیده «مهندسی‌شده» و تنها از همان آمار گفته شده نتیجه بگیرم که حقوق آب با روش‌های تحکم و اجبار دست‌یافتنی نیست. اصولا برخورد قهری با بهره‌برداران منابع آب که از قانون تخطی کرده‌اند، با برخورد قهری با یک بزه اجتماعی در ماهیت متفاوت است. این تفاوت به سختی در عمل اتفاق افتاده است در نتیجه طرح تعادل بخشی را که عملا به عنوان یک ابزار برای وزارت نیرو تعریف شده است، به یک هدف (غایی) تبدیل کرده است. درحالی‌که هدف حفظ منابع در عین انتفاع است، نه سلب انتفاع با قوانین سرد و قایض. با این شرایط و رویه فعلی، تصور آینده روشن برای اجرای این طرح (با وجود کمیابی منابع مالی در کشور) کمی ساده‌انگاری است. در دنیا سال‌هاست رویکردهای همگانی‌سازی تصمیمات و شفافیت در اطلاعات منابع آب، الگوهای مذاکره در حل مناقشات و به‌طور خلاصه الگوهای ایجابی به جای سلبی در حکمرانی آب مورد توجه بوده و هست. جای آن دارد که این طرح نیز رویکردی ایجابی به خود گرفته و نقطه تمرکز آن از «ایجاد ارزش برای آب» به «ایجاد ارزش برای آب‌بر» تغییر کند؛ زیرا تأکید بر آب به عنوان یک منبع کمیاب، (که محور این طرح بوده و هست و سال‌های سال است که به مصرف‌کنندگان تفهیم می‌شود)، باعث ایجاد ترس بین آب‌بران و حتی خود تصمیم‌سازان شده که این ترس، ایجاد ارزش‌های جدید را که به همکاری بین ذی‌مدخلان و سیستم حکمرانی بینجامد، مشکل کرده است. مدیریت آب وظیفه جامعه مدنی است. تشویق آب‌بران به کنارگذاشتن مسابقه ناتمام برداشت آب از طریق ایجاد ارزش‌های جدید سال‌هاست مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین نیاز است به جای تکرار موضوع کمیابی آب، برنامه‌ها و طرح‌ها به سمت این واقعیت که «آب یک منبع انعطاف‌پذیر است»، هدف‌گذاری شوند.

پژوهشگر در سیاست‌گذاری و حکمرانی آب-دلفت هلند

۴۰ سال گذشته تاکنون در شهر تهران امکان وقوع زلزله وجود دارد و آخرین زلزله‌ای که خسارت جدی به تهران وارد کرد، مربوط به سال ۱۸۳۰ میلادی است. مرادی ادامه داد: در استان تهران میانه‌ای ۳۰ زمین‌لرزه ثبت می‌شود که سهم شهر تهران هر دو روز، سه زمین‌لرزه است. او اظهار کرد: سالانه در کشور ۱۲ زلزله بالای پنج ریشتر و یک زلزله بالای شش ریشتر اتفاق می‌افتد. مسجدجامعی به بخش تحقیقات هواشناسی این مؤسسه و بخش پیش‌بینی غلظت آلودگی هوای شهری رفت. او در این بخش عنوان کرد: ۱۶ ایستگاه توسط این مؤسسه در سطح شهر تهران دایر شده است و ۲۱ ایستگاه هم شهرداری تهران دارد که مقدار مونوکسید کربن، ذرات معلق زیر دووینم میکرون، دی‌اکسیدگوگرد و اکسیدهای نیتروژن در هوای تهران را نمایش می‌دهند. احمد مسجدجامعی ظهر روز جمعه و پس از بازدید از پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، به ماهنامه نجوم، اولین نشریه علمی پس از انقلاب، رفت و از تحریریه این ماهنامه دیدن کرد.

مسجد جامعی در ادامه تهران گردی خود از انجمن فیزیک ایران نیز بازدید کرد.

گزارش

نصب قفل کودک بر بسته‌بندی مایعات اسیدی وقلیایی

● **شرق:** «شرکت‌های تولیدی مایعات اسیدی و قلیایی، باید از قفل کودک و بسته‌بندی غیرجذاب در بسته‌بندی محصولاتشان استفاده کنند». این مطلب را معاون آرایشی و بهداشتی سازمان غذا و دارو مطرح کرد.اگر پیگیر اخبار حوادث روزنامه‌ها باشید، هرازگاه خبرهایی را دیده‌اید که حکایت از نوشیدن مواد شیمیایی خطرناکی مثل لوله‌بازکن‌ها، شامپوها و... توسط کودکان دارند. چندی پیش نیز تصویر بسته‌بندی یک شربت پرتقال تولیدی یکی از شرکت‌های معروف در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد که نشان می‌داد شباهت فراوانی به بسته‌بندی یکی از مارک‌های معروف ماده لوله‌بازکن دارد. پیرامون همین موضوع به والدین هشدار داده شده بود که مواظب باشند کودکانشان این دو را با هم اشتباه نگیرند.در پی انتشار خبرهایی از همین دست و وقوع حوادثی دردناک در این‌باره حالا روز گذشته معاون آرایشی و بهداشتی سازمان غذا و دارو در خبری اعلام کرد: «شرکت‌های تولیدی مایعات اسیدی و قلیایی، باید از قفل کودک و بسته‌بندی غیرجذاب در بسته‌بندی محصولاتشان استفاده کنند».به گزارش ایلنا، مصطفی اسماعیلی گفت: گرچه نظارت بر تولید محصولاتی مانند لوله و چاه‌بازکن در حیطه اختیارات سازمان غذا و دارو نیست، اما شرکت‌ها به مذکور با ملزم به عدم استفاده از رنگ‌های جذاب و به‌کارگیری قفل کودک در بسته‌بندی‌ها کرده‌ایم. وی با استناد به آمارهای ارائه‌شده از برخی بیمارستان‌های تخصصی کودکان درخصوص افزایش مصرف ناگهانی مایعات اسیدی و قلیایی و لوله‌بازکن‌ها توسط کودکان به‌دلیل داشتن رنگ‌های جذاب بسته‌بندی‌ها اظهار کرد: بخشنامه عدم استفاده از رنگ‌های جذاب و به‌کارگیری قفل کودک در بسته‌بندی‌های این‌گونه مواد، که مربوط به سال ۹۲ بوده است را دوباره و حدود چندماه قبل به معاونان غذا و داروی سراسر کشور ابلاغ کردیم تا شرکت‌های تولیدی این محصولات را جهت افزایش ایمنی ملزم به استفاده از قفل و درپوش کنند.معاون آرایشی و بهداشتی سازمان غذا و دارو با بیان اینکه نظارت بر شش‌پنده‌هایی که تماس مستقیم با بدن ندارند در حیطه اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت